

# سردبیر: خودم

نگاه فراساختاری حسین درخشان به ایران و ورای آن

خانه فتوبلاگ درباره زندگی‌نامه آرشیو تماس دفتر یادبود «شکستن فیلترینگ» ساخت وبلاگ «رادیو هودر english blog  
photoblog xml  
» «قبلی | صفحه اول»

هوشنگ امیراحمدی دنبال چیست

(March 24, 2008)

18 نظر از خوانندگان | \* به این مطلب رای دهید

**Excerpt:** Houshang Amirahmadi is a lobbyist for Democrat-leaning American corporation who want to return to the Iranian energy and other markets. He is a nice man, but in no way a supportive of the Iranian revolution or else. He is just a businessman with some influential friends within the Democratic party.

اگر می‌خواهید فرق خاتمی و احمدی‌نژاد را متوجه شوید به سفر هوشنگ امیراحمدی به ایران توجه کنید که پس از ده سال، و در نتیجه‌ی تضمین شخصی احمدی‌نژاد صورت گرفته است. احمدی‌نژاد هر چه باشد مثل خاتمی دورو و ترسو نیست. متاسفم که این را می‌گویم، ولی منی که زمانی برای خاتمی احترام زیادی قایل بودم روز به روز از او بیشتر ناامید می‌شوم.

از نظر شخصیتی، آن ماجرای دست دادنش با خانم‌ها در ایتالیا خیلی چشم من را باز کرد. اگر خاتمی ریاکار و دورو نیست، پس چرا در بیرون از ایران یا داخل آن دوچهره دارد. چرا جلوی دوربین و پشت دوربین رفتارش اینقدر تفاوت دارد. اگر هم ترسو نیست، پس آن تکذیب کردن‌های ذلیلانه و جعلی خواندن ویدیویی که ده‌ها هزار نفر تمام آن را دیده‌اند، برای چه اتفاق افتاد؟

این ماجرا خیلی نظر من را راجع به صداقت و شهامت این آدم عوض کرد و واقعا از چشمم افتاد. در عین حال نشانه‌ای است از اینکه چقدر خاتمی با توجه به این ریاکاری و بزدلی‌اش به دیگران سرویس داده است. حتی اگر قبول کنیم که او به اصول انقلاب وفادار است (که من حالا در آن حرف جدی دارم، بخصوص از نظر فلسفی و تنوریک)، شخصیت ضعیف خاتمی باعث شده بود که یک سری از خطرناک‌ترین آدم‌ها با خطرناک‌ترین ایده‌ها پشت او جمع شوند و او را به هر سمتی که خواستند ببرند.

ولی احمدی‌نژاد این طور نیست. درست است که من در این مدت به این نتیجه رسیده‌ام که برخلاف چیزی که جار می‌زنند و من هم قبلا فکر می‌کردم او از نظر نظری و فلسفی خیلی بیشتر از خاتمی به راه خمینی و اصول انقلاب (بخصوص از نظر یعنی مبارزه با فقر و فساد مالی، مقاومت در برابر استعمار و تفکر استعمارزده، تلاش برای خودکفایی علمی و صنعتی و...) نزدیک است، ولی تفاوت شخصیتی‌اش هم با خاتمی بسیار زیاد است. و همین به او اعتماد به نفسی می‌دهد که بقول امیراحمدی با آمریکا شدیداً مخالف است، ولی با او حاضر است گفتگو کند. ولی خاتمی با آن همه تمایل آشکار و نهانش به آمریکا و فلسفه‌ی سیاسی و اقتصادی پشت آمریکا، جرات دیالوگ با آن را ندارد.

ولی چند نکته را هم باید راجع به آقای امیراحمدی و پروژه‌ی رابطه‌ی ایران و آمریکایش بگویم. با اینکه او را در دو، سه باری که دیده‌ام از نظر شخصی آدم مهربان و منصفی یافته‌ام، ولی نباید خودمان را درباره‌ی طرز فکر و پروژه‌اش گول

بزنیم. مهمترین دلیلی که احمدی‌نژاد به او اجازه‌ی برگشت به ایران داده است این است که می‌خواهد رییس جمهوری برای هم‌ه‌ی ایرانیان باشد. وگرنه او خوب می‌داند که امیراحمدی کیست و دنبال چیست و همفکرانش کیستند.

اینکه امیراحمدی دارد خودش را به احمدی‌نژاد می‌چسباند بیشتر برای این است که مثلا به آمریکایی‌ها نشان بدهد که اگر می‌خواهد تعاملی با ایران بکنند از طریق امیراحمدی باید بکنند، چون او با خود احمدی‌نژاد بطور مستقیم کانال ارتباطی درست کرده است. چند تا مساله‌ی دیگر هم هست:

اولا که امیراحمدی یک کاپیتالیست دوآتشه است و ایرانی که او می‌خواهد زمین تا آسمان با چیزی که مردم بخاطرش انقلاب کردند فرق دارد. از همین حیث هم دیدگاهش شدیداً با احمدی‌نژاد متفاوت است و بیشتر به رقبای او مثل رفسنجانی و قالیباف نزدیک است.

دوم اینکه شغل آقای امیراحمدی این است که برای شرکت‌های نفتی آمریکایی لابی می‌کند و مشاوره می‌دهد. یعنی از آنها پول می‌گیرد تا مثلا برود و ببیند با استفاده از روابطی که در ایران دارد چطور می‌تواند مثلا فلان قرارداد شرکت نفتی آمریکایی را با حکومت ایران جوش بدهد. بیشتر تلاشی هم که برای برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و آمریکا و بر ضد تحریم‌های آمریکا ضد ایران می‌کند، برای آن است که شرکت‌های نفتی آمریکایی بتوانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند.

اگر به اعضای هیات مدیره‌ی سازمان لابی امیراحمدی نگاه کنید، می‌بینید که خیلی‌هایشان روسای شرکت‌های بزرگ تجاری نفتی یا غیرنفتی آمریکایی هستند. (مثلا مدیر عامل هالیبرتون، مدیر عامل بویینگ، مدیر روابط دولتی شرکت کونکو، مشاور ارشد شرکت شوران، و...)

سوم اینکه امیراحمدی بسیار به حزب دموکرات آمریکا و آدم‌های تجاری، سیاسی و امنیتی آنها نزدیک است و در حزب جمهوری‌خواه آمریکا تقریباً هیچ نفوذی ندارد. از همین حیث به بخش دموکرات اپوزیسیون ایرانی که رابطه‌ی خیلی گرمی هم با دولت رفسنجانی و خاتمی داشت نزدیک است. یعنی آدم‌هایی مثل عباس میلانی و هاله اسفندیاری و ری تکیه و تریتا پارسا و کریم سجادیپور و علی شاکری و از یک طرف و از طرف دیگر هم کارگزاران و مشارکتی‌ها و صادق خرازی و پسران رفسنجانی و شیرین عبادی و بیژن خواجه‌پور و سیامک و باقر نمازی و خلاصه کسانی که من اسمشان را می‌گذارم رفسنجانیست. (مثلا در دفاع از اسفندیاری در مصاحبه‌ای با دویچه وله رسماً می‌گوید ایران به دوران سعید امامی برگشته است.)

ولی از آنجایی که حدس می‌زند به زودی ریاست جمهوری آمریکا دوباره به دست دموکرات‌ها بیفتد، یک دفعه به تکاپو افتاده است که در ایران هم نفوذ خودش را از تکنوکرات‌های کاپیتالیست رفسنجانی و خاتمی فراتر ببرد و با اصول‌گرایان هم کانال‌هایی ایجاد کند.

برای همین هم اپوزیسیون ایرانی نزدیک به جمهوری‌خواهان آمریکایی (یعنی بیشتر سلطنت‌طلب‌ها و همینطور رجویست‌ها که الان بخاطر داشتن دشمن مشترک با هم در مواردی همکاری هم می‌کنند و آدمی مثل حسن داعی الاسلام نتیجه‌ی این همکاری است) خیلی با امثال امیراحمدی و تریتا پارسا و رفقایشان دشمن است و سعی می‌کند آنها را تحت عنوان لابی‌ایست‌های جمهوری اسلامی بی‌اعتبار کند و هزینه‌ی حمایت دموکرات‌ها را از آنها بالا ببرد.

نمی‌خواهم بگویم امیراحمدی هیچ عرق ملی ندارد و اینها، بلکه می‌خواهم توضیح دهم که شغل او و انگیزه‌ی اصلی او از این فعالیت‌های سیاسی بیشتر چیست.

تکمیل:

\* برای بیشتر آشنا شدن با هدف امیراحمدی از نزدیک شدن به احمدی‌نژاد این تکه را از مصاحبه‌اش با دویچه وله بخوانید:

خانم اسفندیاری فعالیت‌هایش را در زمان دولت کلینتون شروع کرد و آن موقع آقای خاتمی سرکار بود. بعد هم که بوش آمد هنوز آقای خاتمی بود. خانم اسفندیاری می‌گفت خاتمی رفرمیست است و می‌تواند در ایران تغییر ایجاد کند، بنابراین ایرانیان رفرمیست را

تشویق می‌کرد و به مرکز می‌آورد تا صدایشان را به گوش آمریکاییان برساند. بعد که پوش سرکار آمد، دیگر محافظه‌کاران جدید سرکار بودند. اینها خیلی از کارهای خانم اسفندیاری خوششان نمی‌آمد و نقد می‌گذاشتند. از طرف دیگر، یکدسته ایرانی‌ها هم بودند که می‌خواستند حکومت سرنگون شود و بین جناح رفرمیست و راست حکومت فرقی نمی‌گذاشتند. بنابراین از این که خانم اسفندیاری با جناح رفرم نزدیک است و می‌خواهد آنها را عمده کند، خوششان نمی‌آمد.

این را هم بگویم که خانم اسفندیاری در چند مورد سعی کرد از جناح راست هم کسانی را به آمریکا بیاورد اما موفق نشد. ایشان هر کس را که آورد، تقریباً رفرمیست و مخالف دست‌راستی‌های حکومت ایران بود. مشکل اساسی خانم اسفندیاری از اینجا شروع شد. پلی که ایشان زد، بین جناح رفرمیست ایران و آمریکا بود نه بین ایران و آمریکا. اشتباه بزرگ ایشان این بود که متوجه نشد که باید جناح راست را به هر قیمتی شده وارد میدان کند وگرنه کارش، آینده درخشانی نخواهد داشت. چوبی که خانم اسفندیاری می‌خورد، به نظر من به همین خاطر است. جناح راست ایشان را مبلغ جناح رفرم می‌داند.

\* متن مصاحبه‌اش با مهمترین تریبون رفسنجانیست‌های داخل ایران، یعنی «شهروند امروز» را هم بخوانید:

وی که با شهروند امروز گفتگو می‌کرد، تصریح کرد: بعد از 10 سال که دولت آقای خاتمی به بهانه‌های واهی مرا از حضور در ایران منع می‌کرد، آقای احمدی نژاد درخواستم برای حضور در ایران را پذیرفت و من به این سفر آمدم.

امیراحمدی گفت: ده سال بود که به ایران نیامده بودم. آخرین بار تابستان سال 1997 بود که به ایران آمدم و سال بعد از آن که می‌خواستم به ایران بیایم، اتفاقات کوی دانشگاه تهران رخ داد و متأسفانه برخی مطبوعات در ایران آن ماجرا را به من ربط دادند و بعد از آن هم به واسطه طرح بحث جامعه مدنی توسط من، اصلاح طلبان را مرتبط با من خواندند؛ بنابراین امکان آمدن دوباره به ایران از من سلب شد.

وی افزود: از سال 1997 به بعد در رابطه ایران و آمریکا فعال شدم و در سال 2000 خانم آلبرایت را آوردم تا از ملت ایران به خاطر کودتای 28 مرداد 1332 عذرخواهی کند. اما عکس من را با خانم آلبرایت در روزنامه ای به صورت پیاپی در 9 شماره چاپ کردند و به عنوان مامور ویژه آمریکایی‌ها معرفی ام کردند. بنابراین من در این سال‌ها نتوانستم به ایران بیایم تا اینکه در جلسات دیدار و گفت و گویی که با آقای دکتر احمدی نژاد داشتم و خصوصاً در آخرین دیدار ما که در سپتامبر گذشته و در سفر ایشان به نیویورک صورت گرفت، در این باره گفت و گوهایی شد. تا اینکه چندی پس از آن سفر، آقای احمدی نژاد طی یادداشتی از من خواستند که به کشور بازگردم و هماهنگی‌های لازم را با برخی مقامات نیز انجام دادم.

امیر احمدی گفت: من هم پیرو آن نامه آقای احمدی نژاد و ترتیباتی که داده شده بود، راهی ایران شدم. از آقای دکتر احمدی نژاد هم بسیار تشکر می‌کنم که به من لطف کردند و پا را وسط گذاشتند و بانی این اتفاق شدند.

وی درباره روابط ایران و آمریکا نیز گفت: متأسفانه سیاست ایران برای آمریکا و سیاست آمریکا برای ایران، هیچ‌گاه شفاف نبوده است. وقتی مقام معظم رهبری در یزد سخنرانی می‌کنند و می‌گویند که ما همیشه نمی‌توانیم دشمن باشیم اما رابطه شریطی دارد، این سخن را در آمریکا آن‌گونه که باید تفسیر نمی‌کنند. کار من بیان واقعیت این دیدگاه‌ها و جلوگیری از تفسیرهای مغرضانه است.

به گفته‌ی امیر احمدی، متأسفانه بخش زیادی از مسائل میان ایران و آمریکا، مبتنی بر واقعیت نیست و افسانه است. مسئله تروریسم واقعاً یک افسانه است. برای اینکه ایران در جریان‌های تروریستی نقشی نداشته است. نه حزب الله و نه حماس هیچ‌کدام تروریست نیستند و دو نیرویی هستند که از ملت و کشور خود دفاع می‌کنند، بنابراین کمک به آنها هم کمک به تروریسم نیست.

وی اظهار عقیده می‌کند که آقای احمدی نژاد از زمانی که رئیس‌جمهور شد و تاکنون، بیش از هر رئیس‌جمهوری در گذشته سعی کرده است قفل این رابطه را باز کند. مشکل آقای احمدی نژاد با اسرائیل است و نه با آمریکا.

وی افزود: آقای احمدی نژاد حتی پیشنهادهای بسیار خوبی هم به آمریکایی‌ها داده است. پیشنهاد مذاکره مستقیم با پوش را داده است. پیشنهاد داد که پرواز هواپیماهای ایران به صورت مستقیم و از تهران به نیویورک باز شود. برای اولین بار در زمان آقای احمدی نژاد بود که مذاکره ایران و آمریکا درباره عراق انجام شد. آن‌گاه آقای احمدی نژاد لزوماً بازتر نیست بلکه شجاعانه‌تر است.

یک وقت هست که شما می گویند آمریکا کشوری امپریالیستی و زورگو است ولی ترسی هم از مذاکره با آن نداریم. آقای احمدی نژاد چنین دیدگاهی دارد و نمی گویم که نگاه بازتری نسبت به آقای خاتمی در برخورد با آمریکا دارد.

آقای خاتمی می گفت که شما اگرچه آدم های خوبی هستید، ولی ما نمی توانیم با شما حرف بزنیم. آقای احمدی نژاد می گوید که شما آدم های بدی هستید ولی ما با شما حرف می زنیم. آقای خاتمی حتی در سازمان ملل در عکسی که کلینتون هم در آن بود، حاضر نشد بایستد.

---

نظرات دیگران

: ghozak

کسانی که در خارج از کشور زندگی میکنند و به نفع جمهوری اسلامی مینویسند حرفشان مفت گرونه اگر به ایران رفتی و بعد از یک سال همین عقیده را داشتی ان وقت میگم راست میگی دمت گرم. شما شراب ناب میزنین و تحلیل میدین. جمهوری اسلامی حکومت سرمایه داری است انهم از نوع خیلی ظالمانه

• هودر: من دارم برمیدرم ایران تا جلوی این جور استدلالهای سطحیرو بگیرم. حالا ببین یه سال دیگه من فرقی اساسی می‌کنه نظراتم یا نه. جمهوری اسلامی هم ۱۶ سال کاپیتالیستی بود، الان اگه رفسنجانیست‌ها و موتلفه‌ای‌ها بذارن، احمدی‌نژاد ممکنه بتونه یه کارهایی بکنه که سیستم کمی عادلانه‌تر بشه.

: dialog

them are from oil companies Hi, Out of the 44 board of director and advisory council members only 5 of did you then conclude that this group is a lobby for and 2 of them are retired or former employees. How can one encourage the support of non-Iranian Americans for opening dialog oil companies? Besides how are motivated by better relationship with Iran, without them having any motivation? some of them and since Iran does not have resources and ,lucrative oil contracts that is by the way welcomed by Iran potential oil fields. So I completely disagree with you that the AIC expertise in developing all identified reasons like a better after Iran's oil. I think they have gathered a bunch of people that for various group is relationship. Some of them are motivated by potential relationship with Iran, not necessarily a imperialist ..are human right activists, some are nationalists, etc business with Iran, some

including some major oil ,Hoder: I didn't say only oil companies. I said big American corporations • Haliburton, Boeing, Conoco, Chevron, etc. I wasn't companies. AIC is founded to lobby for bringing back How do you think AIC is being funded and by whom? That's how all .born yesterday, Sir or Madam though the US work and there is nothing illegal about it based on the U.S. laws. Even lobby groups in .system personally I think it's a shamefully corrupt and unethical

: مجید

خیلی وقت بود مطلبی به این حد چرت و پرت نخونده بودم. مجبوری بنویسی؟

• هودر: مرسی که بهر حال وقت گذاشت و کامنت پای چنین مطلب چرت و پرتی فرستادی.

حمید :

فرموده اید: باید دید احمدی نژاد چقدرش رو و چطور تکذیب کرده... راجع به یک حرف است، نه یک عمل... ولی اینکه خاتمی بیاد به عنوان یه مسلمان به کار از نظر خودش حرام بکنه و بعد اون رو حاشا کنه خیلی فرق داره

دوست عزیز، به نظرم تکذیب یک عمل به مراتب شرافت مندانه تر از تکذیب یک اعتقاد و باور است. فرض کنیم شما در ایران باشید و مشروب خور باشید، در یک مصاحبه ی کاری از شما می پرسند که آیا مشروب می خورید یا نه. شما می توانید شجاع باشید و راستش را بگویید یا بترسید و دروغ بگویید. اما اگر مخالف ولی فقیه باشید و مصاحبه گر نظر شخصی شما را در باب این اصل بپرسد و شما بگویید که به نظر تان مترقی ترین اصل قانون اساسی است، این دیگر اسمش زبونی و پست فطرتی است و نه ترس.

اگر احمدی نژاد معتقد است که هاله ی نور دیده، باید به آن افتخار کند. این که از ترس ریشخند مردم اعتقاد خودش را تکذیب کند یعنی این که حرف مردم از اعتقادش برایش مهم تر است.

مثلاً من مذهبی نیستم، اما حالم از مذهبی هایی که می خواهند "برای ارائه ی یک چهره ی مدرن از اسلام" حجاب زنان را از اسلام خارج کنند به هم می خورد.

خوشحال می شوم نظر تان را بدانم

-----

• هودر: حالا آخرش چی میخوای بگی؟ اینکه احمدی نژاد کلا ریاکار و دروغ گوست؟ باشه. این رو مردم خودشون می فهمن و فهمیدن. چرا فکر می کنی رفورمیستها دیگه هر زوری میزنن هیچ انتخاباتی رو نمیتونن ببرن؟

یه خواننده جامعه، توس، نشاط، عصر آزادگان :

حسین جون سلام من دو سالی بود که به سایتت سر نزده بودم. امروز وقتی حرفاتو خوندم خیلی شوکه شدم. باورم نمیشد. آخه یه آدم حسابی تو کانادا، حالا تو پاریس از عشقش به احمدی نژاد و دوست دخترش و ... میگه. پس خانومت چی شد؟ حتماً اون پشتا یه خبر یه حرفات که ارزش جواب دادن نداشتن، تنها چیزی که برام جالب بود، این بود که شکل روزنامه نگاریت تاثیر گذاره (نمونش گذاشتن عکس مصدق) و اگه خواننده داشتی، خیلی از صدا و سیما میتونستی مؤثر تر باشی. حالا سؤال اینه که چرا این آخوند تو رو هم فیلتر کردن؟ (شاید چون میدونن که همه فیلتر شکن دارن!!!) با دیدن سایتت یاد اون دعای قدیمی مادر بزرگ خدا بیامرزم افتادم که میگفت: خدایا آخر و عاقبت ما رو بخیر کن. حسین جون، زندگی طلحه و زبیر رو یادته؟ راستی، اونجاها الان گوشت کیلویی چنده؟!!

-----

• هودر: داداش، یه کم دیر اومدی. برو آرشیو این دو سال اخیر رو بخون دستت بیاد قضیه. فیلتر شدن من هم از روی نادونی یه سری ظاهر بین احمقه که اونجا نشستن و مفت مفت میخورن و شکم گنده میکنن. بعدش هم، وقتی کسی مثل فاطمه رجبی رو فیلتر کنن، راجع به دیگه چه انتظاری داری از شون؟

: Karim

حسین خان ... اینهاییکه از مرغ کیلویی ۳ هزار تومن مینالند نمیدانند اینروزها در امریکا چه میگذره میلیونها وام بگیر خانه هایشان توسط بانکها بحراج گذاشته شده چون توان پرداخت وامها را ندارند ، بانکها پشت سرهم دارند ور شکسته میشوند ارزش دلار شده گوز و نفت هم شده صد دلار هر بشکه انچنان وضع اقتصادی خراب شده که دیگه عراق را فراموش کرده اند هی دلار بدون پشتوانه چاپ میزنند هی از چین و امارات بیلیون بیلیون قرض میکنه اما اوضاع بشدت خرابه

-----

• هودر: اوضاع ایده‌آل نیست، ولی برای اکثریت مردم اونقدر هم خراب نیست. ورگنه توی نظرسنجی‌ها و نتایج انتخابات تاثیرش رو میگذاشت. در ضمن، خیلی طبیعیه که سرمایه‌دارها و پولدارها از سیاست‌های احمدی‌نژاد لطمه بخورن و ناراحت باشن. چون اصلاً احمدی‌نژاد رو اونها انتخاب نکردن و به سیاست‌های اقتصادی‌اش اونها رای ندادن. بلکه مردمی که در اثر سیاست‌های رفسنجانی و خاتمی داشتن نابود می‌شدن. حداقل الان یه امیدی پیدا کردن و تا یکی، دو سال دیگه هم کارهایی که احمدی‌نژاد کرده اثرش رو میذاره. بعدش هم، مقداری از این مشکلات دست احمدی‌نژاد نیست. تاثیر تحریم‌های آمریکا و اروپا است. استقلال میخوایم پای لزش هم مجبوریم بشینیم. اکثریت مردم هم که ظاهرًا حاضرین پای لزش آگه در همین حدود بمونه و نبینن که در هنگام بدبختی اونها یه سری حرومزاده مثل مهدی رفسنجانی و هم‌آخوراش توی کارگزاران با رشوه خوردن و دزدی تریالدر میشن، باز هم بشینن.

پدرام م. :

حسین جان، دوستم - فدایت کردم که مدتی است نگرانتم و این سوال قبلی را هم کردم بیشتر بعنوان طنابی در چاه که ببینم آخر و پائینش کجاست که بازده ای منفی تر از انتظار داشت. میدانم که نوشتن این چند خط هم احتمالاً اشتباه است ولی آنرا به حساب دینی اگر بهت دارم میگذارم و میگذرم. شاید هم پس از این نیش قلمت من را هم بگذرد، چنانکه دوستان دیگرم و دیگرگرت را تا کنون گزیده ای. امیدوارم اینطور نباشد.

اول جوابی کوتاه به جوابت: تاکتیک و حتی استراتژی مشترک نه دلیل اثبات فعالیت مشترک است و نه الزاماً مدرک نفی آن. اگر اینطور نبود که خود من احتمالاً ۸۰ درصد همخوانی با مثلاً توده ایها دارم پس بنابر این منطق باید توده ای باشم.

خلاصه کنم: اگر میزنی بزن ولی منطقی و غیر احساسی بزن که اقلاً رسم زدن در آتیه را پایه ریخته باشی.

اضافه کنم که من در عمرم امیراحمدی را یک و پارسی را دو بار (همه آنها هم در مجامع عمومی) ملاقات کرده ام. نه با هیچیک کار و نه حقوقی دریافت کرده ام. هیچکدام از مجموعه رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد را نیز مشکل گشای ایران نمیدانم.

عزیز، اگر میخواهی متفاوت باشی، اگر میخواهی مبتکر سبک نویی باشی، اگر مکتب جدیدی آفریده ای یا حتی اگر داری بی گذار به آب میزنی تا ببینی تا کجا میکشی، ازت با تمام وجود میخواهم آهسته و شمرده تر بروی. تنها امید من در این است که از آنجا که میدانم و دیده ام چگونه - بر خلاف اغلب هموطنان - در اذعان به اشتباه و تغییر ۱۸۰ درجه در موقعیت لازم کوتاهی نمیکنی، شاید این دوره هم زمانی شامل چنین شرایطی شود.

همچنان با بهترین آرزوها - برادر چند سال بزرگتر...

-----

• هودر: پدرام عزیز، حالا مگه تریتا پارسی مگه از نظر تو اشکالش چیه که امیراحمدی با این همه تشابه فکری و مواضع رو نباید بهش چسبونند؟ تازه من که نگفتم این دو تا مثلاً همکارن یا مثلاً هم تیمی‌اند. گفتیم که هدف و استراتژی‌شون آگه عین هم نباشه، خیلی به هم شبیهه. برایش هم کلی سند و مدرک آوردم. حالا تو آگه مخالف این نظر هستی، استدلال و شواهدت رو درباره‌ی اختلاف مواضع و اهداف و استراتژی‌های این دو نفر بیار تا ببینم.

مهدی ابراهیمیان :

سلام. در مورد اینکه احمدی نژاد دورو نیست مخالفم. می خوام فیلم هاله نور رو برات بفرستم؛ فیلمی که احمدی نژاد اون رو تکذیب کرد و گفت مونتازده؟ فیلم خاتمی رو عده ای اثبات می کنند مونتازده ولی فیلم احمدی نژاد که دیگه رد خور نداره. یا فیلم به دست آوردن انرژی هسته ای در خانه توسط دختر 16 ساله! در اینکه احمدی نژاد قدرت بیشتری دارد شکی نیست ولی به دورو بودن خاتمی ربطی نداره.

-----

• هودر: ببین، هر سیاستمداری گاهی مجبوره دروغ بگه. این از ملزومات سیاسته و کاریش هم نمیشه کرد. ولی حرف من اینه که آگه احمدی‌نژاد مثلاً توی آمریکا یواشکی مشروب خورده بود و بعد میومد سجاده آب می‌کشید توی ایران، اسمش هم دروغ بود و هم

دورویی. دست دادن خاتمی با زنان با توجه به آخوند بودنش و اینکه کلی نون سید بودن و آخوند بودنش رو می‌خوره و بعد حاشا کردنش آخر ریاکاری و دروغ‌گویی است.

آرش :

"مثبت یا منفی بودن نسبی. آگه به نظر تو ایران باید مثل دوبی و قطر و ترکیه بشه، بله حق داری، امیراحمدی از این نظر خوبه. ولی مردم انقلاب نکردن که ایران دوباره بشه بهشت شرکتهای گندهی آمریکایی و بانک جهانی و توش مردم از فقر و بدبختی به هر ذلتی تن بدن." واقعا! در دوبی و قطر و ترکیه مردم از فقر و بدبختی به هر ذلتی تن میدن؟

-----

• هودر: ببین، تو مثل اینکه زیاد سی.ان.ان می‌بینی. یه کم برو دنبال منابع مستقل‌تر تا ببینی توی قطر و دوبی و ترکیه چقدر اختلاف طبقاتی هست و چطوری یه بخش بزرگی از مردم مثل حیون زندگی می‌کنن. برای مثال این رو نگاه کن: <http://www.wsws.org/articles/2003/apr2003/turk-a24.shtml> حالا وقت کنم باز هم می‌نویسم راجع بهش. دوبی و قطر هم که اصلا حرفش رو نزن. پیدا کردن مطلب راجع به وضع وحشتناک نابرابری اجتماعی و اقتصادی کشورهای عربی خیلی ساده است.

د.د. :

نوشته اید: "ولی مردم انقلاب نکردن که ایران دوباره بشه بهشت شرکتهای گندهی آمریکایی و بانک جهانی و توش مردم از فقر و بدبختی به هر ذلتی تن بدن" -- اینجا معلوم میشه که خبری از داخل ایران و اینکه چه میگذره نداری اصلا! آقای هودر، حقیقت تلخ اینه که مردم الان وضعشون تو ایران طوریه که از بدبختی به هر ذلتی تن میدن. کاریت به فلهک و شمرون که بابات اینا میشینن نباشه! وضع مردم خیلی خطیره. مرغ شده کیلویی 3 هزار تومن از محبتهای آقای احمدی نژادت! در ضمن نوشتی: "مهمترین دلیلی که احمدی‌نژاد به او اجازه‌ی برگشت به ایران داده است این است که می‌خواهد رییس جمهوری برای همه‌ی ایرانیان باشد. وگرنه او خوب می‌داند که امیراحمدی کیست و دنبال چیست و همفکرانش کیستند." تو چه میدونی تو فکر احمدی نژاد چی میگذره یا قرار مدار او با امیراحمدی چیه؟! چرا حرف تو دهن احمدی نژاد میداری؟ یا اینکه نکنه از خودشونی؟

امین :

حال می‌کنم که همیشه خلاف موج شنا می‌کنی. تو در واقع مصداق بارز ضرب المثل « خواهی نشوی هم‌رنگ ، رسوای جماعت شو هستی . به نظر من هم سگ آخوندا می‌ارزد به اون حکومتی که آمریکا می‌خواد برای ما بیارد

آرش :

به نظر من که امیر احمدی کار بسیار بزرگ و مشکلی رو به عهده گرفته. مقابله با آبیگ در آمریکا یا حرکت در جهت مخالفش. جدا از طرز تفکر اقتصادی راست یا چپش (که من تا حدودی باهاش موافقم) به نظر من کل کاری که میکنه خیلی مثبتیه و باید ازش حمایت بشه. ضمناً بیشترین چیزی که ایران الان بهش احتیاج داره سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گازشه و مهمتر از اون تکنولوژی در ارتباط با صنایع نفت و گاز. اینم منبع. <http://www.pnas.org/cgi/reprint/104/1/377.pdf>

-----

• هودر: مثبت یا منفی بودن نسبی. آگه به نظر تو ایران باید مثل دوبی و قطر و ترکیه بشه، بله حق داری، امیراحمدی از این نظر خوبه. ولی مردم انقلاب نکردن که ایران دوباره بشه بهشت شرکتهای گندهی آمریکایی و بانک جهانی و توش مردم از فقر و بدبختی به هر ذلتی تن بدن. ایران به سرمایه‌گذاری توی نفت و گاز نیاز داره. ولی اولاً باید یاد بگیره خودکفا بشه توی کل این صنعت و بتونه حتی دانشش رو صادر کنه و بعد هم تا وقتی به اونجا نرسیده مجبور نیست فقط به آمریکاییها و اروپاییها اجازه سرمایه‌گذاری بده و از قبیش هم مهدی خان رفسنجانی رشوه‌های صد‌ها میلیون یورویی از توتال و نروژ و غیره بگیره و به این لابی‌ایست‌ها هم بده بخورن. احمدی‌نژاد اومد که دست این کتافت‌ها رو قطع کنه از این همه مفت‌خوری و رشومخوری و دزدی. امثال تو واقعا میخوان این دزدها برگردن؟

رحمت :

الو حسین.....خیلی بی شخصیت و دور و هستی و نمک نشناس و منافق !! و بقول امام منافقین از کفار بدترند. خاتمی چهره ای متفاوت و راه گشای گره کور اجتماعی و سیاسی ایران بوده . در زمانیکه تاریکی و ناامیدی میرفت که جامعه را از هم بپاشد و بساط یکپارچه تخریبطور کامل و دائمی مسجل نماید بمیدان آمد و از خود و ابرویش مایه گذارد تدریجاً امید و روشنائی را بروی مردم باز کند. اینکه چه مقدار موفق بود اصلاً مهم نیست . اینکه چرا موفق نشد مهم است و آن بخاطر مارمولک بازبهای افراد و گروههای پلیدی بود که تو امروز سعی داری آنها را مدل قرار بدهی و در نهایت سبکسری و کاسب مسلکی میخواهی آنها را بعنوان الگو های قابل طرح و قابل قبول جلوه دهی . سارکوزی خاتم بازی و هزار بی ابرویی کرد و مردمش اصلاً اهمیت ندادند. کلینتون پشت میزکارش بلوغ گرفت و مردم گفتند بماچه . علم و زاهدی برای شاه از داخل و خارج خانوم آوردند و برای اونها حتی مقرری همایونی درست کردند کسی چیزی نگفت . در حوزه خلیج فارس اون امرا درآمد نفت مملکت را خرج فلانشون میکنند کسی حرفی نمیزند . حالا اینکه خاتمی با یک زن دست داده چه اهمیتی دارد و درآیده ها - تحلیل ها و استراتژی او چه مقدار ذی مدخل میتواند باشد. این درست چماق نیروهای متحجر بود که از این موضوع یک بلوای اجتماعی درست کنند و تو هم که مثلاً خیر سرت ادعای بینش و شعور میکنی و میخواهی تحلیل سیاسی ارائه بدی که خاتمی اخ بود بجای ارائه استدلال منطقی و تحلیل - تحلیل ارائه میدی !!! - (تحلیل به الت تناسلی مردانه اطلاق میشود .حالیست شد ؟) اینها همش بخاطر سقوط اخلاقی در حد رجوی و همکاران و کسب منافع کوتاه مدتی است که در نظر داری بهش برسی . اینکه تو بدون زمینه فکری و تحلیل مناسب احمدی نژاد را با خاتمی مقایسه میکنی و حتی او را درست رای و دارای استراتژی مناسب ملی میدانی نشان میدهد که عقلت پاره سنگ بر میدارد و در عین حال حاکی از توفیق کیفیاتی چون مزور بودن دور و نفاق در ترکیب شخصیتی تو است. حزب باد بودن و نان بنرخ روز خوردن پدیده کثیفی است. -----

• هودر: من آگه حزب باد بودم الان که همه دنیا میگن احمدی نژاد کثیف و بد و هینتر و ملا عمره ازش طرفداری نمی کردم. حزب باد بودن باید به نفعی به آدم برسونه. من بخاطر حمایت از احمدی نژاد و بریدنم از رفورمیستها هیچ چیزی جز نفرت و از دست دادن کلی از حمایت ها و امکانات سابق به دست نیاوردم. آگه دنبال باد بودم الان مثل مهدی خلجی یا علی افشاری داشتم به لابی اسرائیل یا وزارت خارجه آمریکا سرویس میدادم.

بهنام :

من هم از دورویی برخی اصلاح طلبان در مورد مساله دست دادن با آن زن خوشم نیامد ولی تعجب میکنم که شما حالا دارین با دورویی مخالفت میکنید و دم از صداقت میزنین شمایی که معتقدین که بستگی به این که آدم کجاست باید فقط نیمی از حقیقت رو بگه و بر نیمه دیگر سرپوش بگذاره تا به نتایج سیاسی مطلوب برسد (تا مثلاً بهانه به آمریکا و اسرائیل نده) و اگر آدم همه حقیقت رو گفت آنوقت خاین و خود فروش هست. -----

• هودر: اولاً که دروغ گفتن با نگفتن تمام و اقیعت فرق اساسی داره. بعدش هم حرف من این نیست که نباید واقیعت های تلخ ایران رو نگفت. ولی اولاً باید اونها رو دقیق و با کانتکستش گفت. بعد هم باید اونها رو جوری گفت که بیشتر به نفع آمریکا و اسرائیل نشه تا مظلومانی که تحت اون ستم مثلاً قرار گرفتند. در خیلی موارد هم اصلاً ایران کار اشتباهی نکرده بر اساس قوانین خودش. مثلاً دستگیری آدمهایی مثل جهانبگلو و هاله اسفندیاری و یا مثلاً دستگیری و محاکمه اعضای پژاک یا مجاهدین خلق و اینها همه قانونی بودن. یا حتی رد صلاحیت خیلی از این اصلاح طلبها که علناً جلوی خامنه ای ایستادن و بعد می خوان صلاحیتشون رو قانونی که میگه باید التزام عملی و قلبی به ولایت فقیه و نظام و اسلام داشته باشی تایید کنه. اینجوری که همیشه.

پدرام م. :

حسین جان - در مطلبی درباره امیر احمدی سری هم به دیگران منجمله تریتا پارسی زده ای. لطف کن برای آنهایکه از ارتباط این دو بی اطلاعند توضیحی اضافه کن. ممنون

-----

• هودر: ارتباط سازمانی ای بجز همکاری توی به سری کارگاه ندارن. ولی آگه مواضع و فعالیت هاشون رو نگاه کنی تقریباً با هم مو نمیزنه. معمولاً هم امضاهاشون کنار هم هست یا اینکه با هم به کنفرانس و اینها دعوت می شن. از نظر من، هدفشون یکیه، روابطشون با دموکرات ها عین همه، مواضعشون یکیه و بگذار اینجوری بگم که ترتیباً پارسی و رسیون جوون امیراحمدی است و کل NIAC هم به عنوان آلترناتیوی حرفه ای تر و فزاینده تر از AIC که مال امیراحمدی هست درست شده. پارسی به موقعی مثل شاگرد و پسر امیراحمدی بوده، ولی الان تبدیل به رقیبی شده برای لابی کردن دموکراتها با رفسنجانیست های توی ایران.

میم بنام :

دکتر احمدی نژاد با موافقت سفر دکتر هوشنگ امیر احمدی به ایران موضع بسیار روشنفکرانه ای گرفته است. هر چند عده ای با عینک تیره و تاری که دارند این تصمیمات شجاعانه را نمی بینند.

محمد :

دو تا نکته: 1- احمدی نژاد ماجرای هاله ی نور رو تکذیب کرد. 2- خاتمی اون نامه ی معروف رو برای کاخ سفید فرستاد (برای مذاکره) که ماجراش رو می دونیم. خواستم بگم فقط چشم تو حواست باشه نبندی موقع استدلال. تو دراز مدت به نفعت نیست.

-----

• هودر: درباره ی اولی حق با توست. هر چند که باید جزییاتش رو دید. چون راجع به یک حرف است، نه یک عمل. باید دید احمدی نژاد چقدرش رو و چطور تکذیب کرده. ولی به هر حال، حتی اگر هم تکذیب کرده باشه، کارش از این نظر با خاتمی فرق داره که ربطی به ریاکاری نداره. ولی اینکه خاتمی بیاد به عنوان یه مسلمون یه کار از نظر خودش حرام بکنه و بعد اون رو حاشا کنه خیلی فرق داره. چون یه بعد قوی ریاکاری توش هست که توی کار احمدی نژاد نیست. ولی راجع به اون نامه، بهتره بری تحقیقات آمریکایی ها رو نگاه کنی. اون نامه تلاش شخصی صادق خرازی بوده از طریق تریتا پارسی و سفیر سوییس که اون موقع برای یک نماینده ی کنگره کار می کرده به اسم باب نی. تا جایی که من می دونم خاتمی نقش رسمی و آشکاری درباره ی اون نامه نداشته. خلاصه اینه اون نامه برخلاف تبلیغات رفسنجانیست هایی مثل صادق خرازی تریتا پارسی، هرگز بطور رسمی و از طرف دولت ایران به دولت آمریکا ارسال نشده بوده. اگه یادت باشه لاریجانی هم توی اون اجلاس امنیتی مونیخ اصل این نامه رو تکذیب کرده. رایس هم از طرف آمریکا دریافت چنین درخواست رسمی از طرف ایران رو تکذیب کرده. این نامه یه دروغ است که البته از یک نظرهایی به نفع ایران و دموکرات های آمریکا بوده. چون بوش رو جنگ طلب و ایران رو صلح طلب نشون میده.

ali :

۱- آقای دانشمند! این که در داخل یک جامعه ی تحت سلطه ی یک حکومت استبدادی و خارج از آن همیشه نظرات یکسان و همسو با عقاید حاکم مستبد داشته باشی هنر نیست. تو اگر به ایران برگردی به همین تندی در وبلاگت می نویسی؟ ۲- یعنی تو به اندازه ی احمدی نژاد هم ظرفیت پذیرش عقیده ی مخالف با عقیده ی خودت را نداری؟